

ما، شما، ایشان



کامبینوزوری

حقوق دان

وقتی نظم حقوقی و معیارها و ملاک‌ها بر جای خود برقرار باشند، «حق» معنای زمینی و واقعی داشته باشد و چتر «حقوق» بر سر ملت سایه انداخته باشد، چیزی امکان وقوع می‌یابد که به آن می‌گوییم «حق حاکمیت ملی»؛ همان چیزی که در جاهای مختلف قانون اساسی ازجمله اصل ۵۶ اعلام شده است: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این‌حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد». تفکیک و تمایزی بین هویت‌های مختلف انسانی، از نظر دین، مذهب، قومیت، زبان، جنسیت و... وجود ندارد. هرکس که ایرانی است، در هر کار و هر کجا که باشد، از این حق بهره‌مند است. این واحد را «ملت» می‌دانیم. ملت یک «ما» است. وقتی نظم حقوقی برقرار است، حکومت هم بخشی از «ما» است. هویت‌هایی متعدد قومی و دینی و مذهبی و جنسیتی و هر هویت دیگر، به یک اندازه و به صورت کاملاً برابر بخشی از همین ضمیر هستند؛ ما، «ما»یی وجود دارد که تمام آدم‌ها و هویت‌هایش برابرند. در رقابت برابر می‌توانند در قدرت و منابع قدرت سهیم باشند، هر کجا که باشند، با امنیت و به یک اندازه تحت حمایت قانون باشند و زندگی‌شان تأمین باشد. چنین ملتی در عین کثر هویتی و عقیدتی و ارزشی و سیاسی، به‌عنوان یک ما در مسیری نسبتاً واحد پیش می‌رود.زمانی که با سستی و کسختگی نظم حقوقی دچار بی‌ضابطگی می‌شود، یک «شما» هم خلق می‌شود. در ملت چندپاره، گروهی ما هستند، گروهی شما. پیوند هویت‌های متکثر از هم می‌گسلد و چتر واحدی که همه هویت‌ها را به‌عنوان یک «ما» زیر خود پیوند می‌داد، از میان می‌رود. هر هویت یک ما و هویت دیگر یک شماست. ما به ما و شما تجزیه می‌شود. هر ما چتر خودش را دارد و از آن چتر بزرگ خبری نیست. آن مایی که در نگاه به آینده مسیری نسبتاً واحد را طی می‌کرد، به چندین و چند ما بدل می‌شود که هریک بدون نگاه به دیگری راه خودش را می‌رود. بسا که راه‌ها به هم تقاطع بیابند و شاخ به شاخ شوند. معیار زور بر معیار «حق» بیشتر چیره می‌شود. خصوصیت حقوق آن است که بدون تبعیض و فرایگیر و عادلانه باشد تا ملتی سامان یافته در حال و آینده‌ای دل‌انگیز زندگی کند. در جامعه‌ای که یک «ما» به بی‌شمار «ما» تجزیه شده باشد، فراگیری مفهوم حق نیز لاجرم از بین می‌رود. هر ما خود معیار حق است و خودش را ذی‌حق می‌داند و آن دیگری را که شما خطاب می‌کند، بی‌حق می‌خواند. وقتی همه بی‌حقوق و همه ذی‌قاند مفهوم دچار بی‌معنایی می‌شود. با بی‌معنا شدن حق، بنیادی‌ترین ضابطه نظم هم از بین می‌رود و رایج‌ترین قاعده بازی می‌شود زور. در رقابت یا به روایت درست‌تر کشمکش میان «ما»ها و «شما»ها، بالاخره یک «ما» وجود دارد که دست بالا را پیدا می‌کند و می‌تواند خود را به بقیه «ما»ها تحمیل کند و بازی را چنان بچیند که خود می‌پسندد. گروهی که هیچ‌یک از هویت‌ها یا ماهای دیگر را قبول ندارد و آنچه باید بشود، به هر قیمت، همان است که خودش می‌گوید و می‌خواهد. این ما، همان مایی است که به منابع قدرت دسترسی دارد و با اتکا به آنها سلطه خود بر منابع قدرت را افزایش می‌دهد. این «ما» کلاً متکثر دیگران است و جایی برای آنها قائل نیست. وضعیتی پدید می‌آید که در آن به «ما» و «شما» یک «ایشان» هم اضافه می‌شود. اگر ما و شما می‌توانند روبه‌روی هم بنشینند و کلامی با هم بگویند؛ ولی «ایشان» دور از همه است. دیگری را به خود راه نمی‌دهد. ملتی که زمانی ما بود، به «ما» و «شما» می‌رسد و بعد می‌رسد به وضعیت «ما، شما، ایشان».

به عبارتی همه ماها در یک سو قرار می‌گیرند و ایشان در سوی دیگر. چیزی شبیه نمایش‌نامه «چوب به دست‌های ورزیل» از غلامحسین ساعدی که در آن سه شکارچی که جداگانه برای شکار در روستا اقامت گزیده بودند، بعد از خوردن و خوابیدن و خوش‌گذشتن‌های فراوان، در پایان هر سه تفنگ‌های‌شان را به سمت اهل روستا می‌گیرند. در وضعیت «ما، شما، ایشان» از نظم حقوقی، جز زوری کاغذ چیزی نمی‌ماند. در این وضعیت برای «ایشان» هم ثباتی نیست و تکه‌تکه جا‌به‌جا می‌شوند و به «دیگری» تبدیل می‌شوند که جای‌شان را در قدرت‌قاهر از دست می‌دهند. این وضعیت شاید در ابتدا شهید شیرین قدرت بچشاند؛ ولی کمی که بگذرد، شرنگ تلخی خواهد بود برای همه، حتی برای «آن‌ها».

ما، شما، ایشان، نگذاریم به اینجا برسیم.

چهارشنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۲
۲۵ شعبان ۱۴۴۵
۶ مارس ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۷۸۹۹
تومان ۱۵۰۰۰
صفحه ۱۲

روزنامه شرق

در «شرق» امروز می‌خوانید: دیوان عالی آمریکا رأی ایالت‌های دموکرات را شکست؛ مسیر هموار ترامپ • به مناسبت تجدید چاپ «پاریس جشن بیکران» ارنست همینگوی؛ همینگوی و جنون نوشتن

شورای شهر تهران مجوز ترک تشریفات معامله **۲ میلیارد و ۶۸۱ میلیون یورویی** را به شهرداری داد

حمل و نقل فوری – چینی

گزارش تیتز یک را در صفحه ۱۰ بخوانید



انفعال قوانین بین‌المللی در برابر کودکانی که در غزه از گرسنگی کشته‌شده‌اند

گرسنگی دادن به کودکان رویه کدام جنگ؟

کس، محمد هادی طابانی، زواره

انتخابات مجلس، بحران اقتصادی و پوپولیسم



محمد رضا یوسفی شیخ رباط

هرگاه کشوری با بحران اقتصادی روبه‌رو شده و دچار افت شدید رشد اقتصادی و افزایش نرخ بی‌کاری یا همراه با تورم با نرخ بالا شده باشد، درصد زیادی از جمعیت کشور دچار فقر می‌شود و دهک‌های میانی نیز با فشار اقتصادی زندگی می‌کنند. این شرایط موجب می‌شود هنگام انتخابات، فضایی برای شعارهای تند ایجاد شود. در واقع انتخابات یک بازار رای است، مردم رای خود را خود را عرضه می‌کنند و کاندیداها تقاضای رای می‌کنند. اما مردم برای اینکه به یک کاندیدا یا فهرستی از کاندیداها رای دهند، باید شعارها و وعده‌های آنان را مطابق خواسته‌ها و تمایلات خود بدانند. طبیعی است در این شرایط، کاندیداها با هدف کسب رأی به شعارهای جذاب و فریبنده اقتصادی می‌پردازند. معمولاً در این شرایط به سیاست‌های بازتوزیعی افراطی می‌پردازند؛ سیاست‌هایی مانند پرداخت یارانه‌های بیشتر، اعطای وام‌های با نرخ بهره پایین برای ازدواج، مسکن یا حتی اجاره خانه و مانند آن شعارهایی است که در شرایط بحران اقتصادی برای مردمی که در تنگناهای اقتصادی قرار گرفته‌اند، جذابیت دارد. همچنین در این شرایط، رقابت میان کاندیداها در این وعده‌ها زیاد شده و سعی می‌کنند شعارهای افراطی‌تری بدهند. وعده‌هایی که معمولاً امکان تحقق ندارند و سازوکار منطقی نیز برای عملی‌کردن آنها وجود ندارد، اما قدرت جذب رای دارند و فرد را به مقصد می‌رساند. ایران از دهه ۹۰ وارد شرایط رکود عمیق شد و در انتخابات ۱۴۰۰ آقای رئیسی با انبوهی از وعده‌های اقتصادی با پشتوانه هفت هزار صفحه‌ای که تاکنون کسی آن را رؤیت نکرده است و در غیاب رقبای واقعی به میدان آمد و به دولت سیزدهم رسید. اکنون که حدود ۳۰ درصد جمعیت ایران زیر خط فقر قرار دارد و حدود ۶۰ میلیون نفر از جمعیت یارانه دریافت می‌کنند، شاخص فلاکت در سال ۲۰۲۳ برای ایران، رتبه ۱۹ از میان ۱۵۷ کشور جهان است.

از روزنامه‌فروشی‌ها بخواهید

شرق | منتشر شد



شماره‌سفارشات: ۰۲۱۸۸۹۴۲۰۳۵ | ۰۹۱۰۲۰۴۳۹۲۴

دست‌آورد نفرت‌پراکنی قومی در شمال غرب؟



احسان هوشمند

انتخابات مجلس دوازدهم در ۱۱ اسفندماه در حالی برگزار شد که در غیاب نیروهای سیاسی مستقل و نیز جهیه اصلاحات و درصلاحیت گسترده چهره‌های سیاسی پیش‌بینی می‌شد مانند انتخابات مجلس هفتم و مجلس یازدهم و انتخابات سیزدهم ریاست‌جمهوری میزان مشارکت واجدان شرایط کاهش درخورتوجهی داشته باشد و به زیر ۴۵ درصد برسد. متولیان برگزاری انتخابات برای فایق‌آمدن بر مسئله کاهش شدید مشارکت در انتخابات چندگانه اخیر برخی روش‌ها را به کار گرفتند تا بلکه از این رویکرد مشارکت انتخاباتی افزایش یابد. افزایش شمار تأیید صلاحیت‌شده‌های انتخاباتی در شهرستان‌های کوچک‌تر و نیز تأیید صلاحیت برخی داوطلبان نمایندگی گمنام و ناشناخته ازجمله روش‌هایی بود که تا حدودی موجب شد انتخابات در برخی نقاط رنگ و بوی رقابت گروه‌های خویشاوندی و طایفه‌ای و قومی و قبیله‌گی به خود بگیرد. این موضوع البته در چند انتخابات گذشته نیز مسبق به سابقه بود، بی‌آنکه از سوی نهادهای علمی یا تحلیلگران مستقل به جد و از منظر مختلف ارزیابی و آسیب‌شناسی شود.

در کنار این روش‌ها، در چند انتخابات اخیر و به‌ویژه در انتخابات جمعه مجلس دوازدهم برخی رفتارهای عجیب و کم‌سابقه با رنگ و بوی قومی و افراط‌گرایانه قومی و نفرت‌پراکنی قومی هم به سیاهه عجایب انتخابات اخیر اضافه شد. در استان‌های شمال غرب به‌ویژه در تبریز و نیز در استان آذربایجان غربی به صورت علنی و در زیر چتر حمایت از برخی نامزدهای دارای حامیان قدرتمند در لایه‌های مختلف قدرت تجمعاتی شکل گرفت که علیه تمامیت ارضی و نیز علیه دیگر هم‌وطنانی که در آن استان زندگی می‌کنند، اقدام به نفرت‌پراکنی شد. چند کارناوال هم برگزار شد. این اقدام چنان مشهود بود که برخی از تجزیه‌طلبان مستقر در خارج از کشور را واداشت تا از فضای به‌وجودآمده برای خود کلاهی دست‌وپا کردند و به حمایت از نامزدهایی با شعارهای افراطی قومی تحت عنوان هویت‌طلبان پرداختند. دست‌کم دو جریان تجزیه‌طلب و افراطی مستقر در خارج که در سال‌های گذشته علیه هم‌وطنان کرد مستقر در آذربایجان غربی نفرت‌پراکنی می‌کنند، به صورت مشهود حمایت خود از به‌اصطلاح هویت‌گرایان ترکیست را اعلام کردند. پیش‌بینی این جریان بر این پایه بود که در فضایی که بخش درخور توجهی از شهروندان به دلایلی در انتخابات شرکت نمی‌کنند، با تحریک و تهییج هیجانات زودگذر می‌توان در انتخابات مجلس اثرگذار بود و با دوگانه ترک –کرد می‌توان جای پایی در مجلس برای خود دست‌وپا کرد. حضور برخی افراد ازجمله یکی از مدیران اسبق استان آذربایجان غربی که به علت پیرونده بسیار پیچیده فساد و دیگر اتهامات عجیب‌وغریب هم در ستاد انتخاباتی یکی از نامزدهای انتخابات مجلس حضور داشت، این روند را تشدید کرد. حضور برخی چهره‌ها که پیش‌ازین سابقه حضور در برخی نهادهای قدرتمند منطقه‌ای را داشته‌اند، نیز مزید بر این امر شد که لایه‌هایی از افکار عمومی چنین تصور کند که گروه‌هایی از قدرت رسمی در پشت چنین تبلیغاتی است. برگزاری چند تجمع با حضور کم‌شمار تعدادی افراطی قوم‌گرا ازجمله در ارومیه، ماکو و نقده می‌توانست در صورت استمرار به خلق فاجعه‌ای منجر شود و هم‌وطنان کرد و آذری با هم‌وطنان شیعه و سنی را رودرروی یکدیگر قرار دهد. خوشبختانه هوشاری افکار عمومی و به‌ویژه شخصیت‌های معتمد و عقلای آذری و کرد موجب شد تا این بازی به‌غایت نسنجیده و تحریک‌کننده و مخاطره‌انگیز به هدف ضدملی خود نرسد؛ اما از آنجایی که این نخستین بار نیست که این افراطی‌ها چنین و معمولاً به نام انقلابی‌گری دست به چنین رفتارهای مخاطره‌انگیزی می‌زنند، دور نیست تا چنین رفتارها را تحریک دیگران منجر شود و آنان نیز در تقابل با این جریان واکنشی بروز دهند و به این صورت فاجعه دردناکی رقم بخورد. تجارب دهه‌های گذشته دراین‌باره هنوز در یادها باقی است. دمیدن در چراغ جادوی قوم‌گرایی استعداد آن را دارد که به درگیری‌های مخاطره‌انگیز اجتماعی با هزینه‌های انسانی منجر شود. خوشبختانه اعلام نتایج در استان‌های پیش‌گفته نشان داد که از سویی میزان مشارکت در انتخابات در این دو استان و ازجمله در تبریز و ارومیه و ماکو و نقده و آشنویه مانند دیگر شهرستان‌ها کشور بود و رفتار مخرب این گروه چندان مورد استقبال افکار عمومی شهروندان فهیم این شهرستان‌ها قرار نگرفت و بیش‌ازپیش مشخص شد این جریان‌های افراطی و نفرت‌افکن نفوذ چندانی در افکار عمومی منطقه ندارند.

ادامه‌در صفحه ۵



رهبر انقلاب پس از کاشت ۳ اصله نهال درروز درختکاری، با اشاره به انتخابات ۱۱ اسفند:

حضور در انتخابات
جهاد ملت ایران

برگزیده‌ها

در نشست انجمن صنعت ساختمان مسئله تبعیض دسترسی دهک‌های درآمدی به مسکن باکیفیت بررسی شد

ترازهای نامتعادل
مسکن اجتماعی

دربی ۱۰۳ با یک اتفاق تاریخی
وناگهان مهسا

«شرق» از کله‌های برخی نمایندگان درباره تخلفات احتمالی انتخابات گزارش می‌دهد

انتقاد نمایندگان از حفره‌های
قانون جدید انتخابات



صدایی از سیستان و بلوچستان:

به جای بسته‌های غذایی
برای ما خانه بسازید

یادداشت

نامه‌ای به قالیباف



سیدجمال هادیان طابانی زواره

جناب آقای قالیباف بعد از سلام، چون می‌دانستم اگر خصوصی برایتان نامه بنویسم، وقتی نمی‌نهد و راه به جایی نمی‌برم، در فضای عمومی رسانه نوشتم تا بلکه بخوانید، ببینیدشید و شاید به کار بندید! مردم ایران شما را هم به‌عنوان رزمنده دفاع مقدس، هم فرمانده نیروی انتظامی، هم خلبان، هم شهردار پایتخت، هم مدیری عملگرا و هم به‌عنوان کسی که همیشه رویاهای بزرگ تعبیر نشده دارد، خوب می‌شناسند اما درحال حاضر از شما ناامیدند! «یک‌بام و دو هوا» «یکی به میخ و یکی به نعل زدن» شما، از یک سو اعتماد مردم را کاهش داده و از سوی دیگر زبان برخی هم‌جناحی‌های تازه‌به‌دوران رسیده ادامه‌در صفحه ۸

انالله وانا الیه راجعون

با کمال تأسف و تأثر مطلع شدیم زنده یاد

دکتر محمود هادیزاده

امانت تن را تقدیم فرشته مرگ نمود و تولدی دیگر را در جهان باقی آغاز کرد. مرحوم هادیزاده در صحنه‌های گوناگون اجرایی منشأ خدمت به هموطنان بود ایشان با صفات جوانمردی تلاش و عشق به میهن و مردمانش اشتها داشت. آثار خدمات آن مدیر تلاشگر و صدیق در استان‌های مختلف به‌ویژه سیستان و بلوچستان ره توشه آن عزیز در سرای باقی خواهد بود. اینجانبان در گذشت تاب‌سوز این دوست اصلاحگرا به خانواده و فرزندان داغدارش تسلیت عرض نموده، صبر و شکیبایی برای باز ماندگان و غفران ربوبی برای آن عزیز از خداوند بخشايشگر مسئلت می‌کنیم.

سید محمود حسینی، سید حسن ر سولی
سید حمید طهائی، سید محمدعلی افشانی
عبدالمحمد زاهدی، اسدالله درویش امیری
محمود زمانی قمی، مهدی رحمانیان